

با گفته ها و نوشته هایی از: مسعود کیمیایی
 جمال میر صادقی ▶ بهمن فرزانه
 محمد ایوبی دی جی سلینجر ▶ منوچهر احترامی
 قطب الدین صادقی
 دلیپ هیرو
 ریچارد رورتی
 مرتضی سرهنگی
 حبیب احمدزاده
 سید علی میرفتاح
 محمد خوانساری
 جیانی و تیمو ▶ اسد الله امرایی
 سیروس نوذری
 علی دارابی
 علیرضا شجاعی زند
 عبد الجبار کاکایی
 سید علی میرافضلی
 فرشید مثقالی
 محمد میر کیانی
 محمود جوانبخت
 جلال سمیعی
 فرهاد جعفری
 امید مهدی نژاد
 سید رضا علوی

و هر بار لنگدن به اندازه چند سال از زندگی بی‌دغدغه‌اش در هاروارد، ماجر از سر باز می‌کند. ۳- همیشه زنی در کنار اوست؛ زنی باهوش و زیبا و صاحب تخصص که در کنار هم از خوان‌های چندگانه می‌گذرند. ۴- رابرت لنگدن هیچ‌گاه قضاوت نمی‌کند؛ یا تصویر نامنعطف و یگانه‌ای از باورهای معنوی خود ارائه نمی‌دهد. او اطلاعات مختلفی را به شیوه علمی به دیگر شخصیت‌ها - و به ما - عرضه می‌کند تا در نهایت خودمان به نتیجه‌ای برسیم؛ نتیجه‌ای گاه متفاوت. ۵- فصل‌های کتاب با تدوین موازی سر هم شده‌اند؛ ماجراها در چند مکان مختلف و توسط قهرمانان مختلفی تجربه می‌شود که در نهایت به هم می‌رسند تا پازل را کامل کنند. در واقع دن براون همان سیستم علمی نمادشناسی و نشانه‌شناسی را که برای قهرمان اولش برگزیده، شخصا هم اجرا می‌کند؛ آثار دن براون محمل خوبی برای تحلیل ساختارگرا هستند. خرده بخش‌های کتاب به تنهایی معنای چندانی منتقل نمی‌کنند؛ بلکه هیجان و انتظار را افزایش می‌دهند؛ باید تمام بخش‌ها را کنار هم چید تا از دور نمای کلی‌شان تصویری واحد برای حل معما به دست آورد. به همین دلیل است که راوی نماد گمشده - همچون دیگر راوی‌های دن براون - راوی سوم شخص ممسک و زیرکی است که انتهای هر فصل را با جملات معماگون و کوبنده تمام می‌کند تا پیش از رفتن به بخش بعدی از این تدوین موازی - یا این سریال - چیز بیشتری ندانیم.

شخصا از آنهایی نیست که بر حسب سلیقه یا برای اثبات زورکی روشنفکری خود به هر اثر منتسب به جهان کتاب پر فروش یا سینمای هالیوودی ناسزا می‌گویند. بر فروش داربسم تا پر فروش... یک فیلم هالیوودی خوش ساخت و بی‌غلط که در حیطه خود و با هدف و جهان بینی خود به شکل درستی ساخته شود، از صد فیلم غیر هالیوودی، متفاوت و غیر مرسوم می‌کند که به شکل ضعیف و پر غلط یا ریاکارانه ساخته شوند، بارز تر است. متفاوت بودن به خودی خود یک ارزش نیست، عامه بودن هم فی نفسه گناه نیست؛ مساله مهم، هدف و سطح و معیار ساخت و ارائه یک اثر هنری یا ادبی است. مخاطب انسانی روبه رشد است؛ حتی می‌شود سطح سلیقه و نوع ذائقه همان مخاطب عام را با برنامه ریزی درست فرهنگی ذائقه‌اش را بهتر کرد. عکس آن هم ممکن است؛ یعنی سیاست کتابی ناشر، نویسنده و مطبوعات طوری باشد که هنوز هم خواننده به دنبال کتاب‌هایی درباره عشق‌های چندگانه و فضاهای تین‌ایجری باشد. حالا اگر سطح شعور خواننده جهانی به جایی رسیده که می‌تواند یک داستان پر تعلیق جنایی - معما می‌ریزد - را در بستری از فضاهای علمی و هنری به خوردش داد، دست مرزباز به آن خواننده و آن نویسنده.



نگاهی به نماد گمشده؛ اثر دن براون

نماد گمشده

کتابی دارای رکورد سریع‌ترین فروش کتاب بزرگسالان در جهان... فروش ۶/۵ میلیون نسخه در چاپ اول... فروش بیش از یک میلیون نسخه در نخستین روز عرضه... (۱)

صرف نظر از پیشینه قبلی آثار دن براون، کتابی با عناوین فوق، پیشاپیش هاله‌ای از مقبولیت و تایید بین‌المللی را به دست آورده که حتی در کشور به لحاظ کتابی خارج از گود ما هم جنب و جوش زیادی را در بازار کتاب برانگیخته. از مدیران نشر و پخش‌کننده‌های کتاب شنیدیم بعد از مدت‌ها کسادی بازار ویزیت کتاب و در شرایط خموده‌ای که برای بعضی کتاب‌های مهم و معتبر تنها یکی دو نسخه سفارش وجود داشته، با چاپ «نماد گمشده» شوری در بازار کتاب به وجود آمده و شاگردان کتابفروشی‌ها با اشتیاق جلوی وانت‌های حمل کتاب منتظرند تا بسته‌های نماد گمشده را با سرخوشی دست به دست کنند و به مغازه ببرند!

کهنی دارد و نه راز و رمز جذاب و پنهانی اما شما در کتابتان از آمریکای بدون راز چنان سرزمین اسرارآمیز و شگرفی ترسیم کرده‌اید که ما با تاریخ بزرگ چند هزار ساله‌مان هرگز نتوانسته‌ایم می‌شود لطفا ماجرای کتاب بعدی‌تان در ایران بگذرد و پروفیسور لنگدن را به اینجا مثلاً اصفهان بفرستید و بر اساس ماجرای واقعی حمام شیخ بهایی که تنها با یک شمع، روشن و گرم می‌شده است، داستان پلیسی جذابی خلق کنید تا نسل خواننده‌های ما هم به مدد پنجه توانای شما با شهر و کشور و فرهنگ خودشان آشنا شوند!

دن براون در نماد گمشده و در ادامه چند گانه‌های معمایی - مذهبی - تاریخی خود بار دیگر رابرت لنگدن نمادشناس را وارد هزارتوی سیاه و اسرارآمیزی می‌کند که شاید به قیمت جان او تمام شود. مولفه‌ها و عناصر اصلی و ثابت کار دن براون اینجا بار دیگر بی‌کم و کاست تکرار می‌شوند. به عنوان نمونه: ۱- لنگدن شخصا میلی به مشارکت در ماجرا ندارد اما همیشه قدرت‌های برتر اقتصادی یا مذهبی دنیا او را به زور وارد بازی می‌کنند؛ به خاطر تخصص و توانایی‌های یگانه و مهمش. ۲- تمام ماجراها طی یک شب می‌گذرند

هنری‌ای است که - صرف نظر از قدرت و ضعف استدلال و مبنای علمی تئوری پردازی‌هایش - خواننده کنجکاو را وامی‌دارد چرخ میانه صفحات گول بزند، ده‌ها عکس و نقشه و نمودار بین‌المللی را مطالعه کند، به سراغ نقاشی‌های کلاسیک اروپایی برود، کتاب‌های تاریخ معماری را ورق بزند، گشتی مجازی در کتابخانه کنگره کشورتان بزند، آشنایی معقولی با نقشه شهر و نوع خیابان‌های واشنگتن پیدا کند و خلاصه همزمان با خواندن یک کتاب سرگرم‌کننده، چندین کتاب دیگر را هم تورق کند و در انتها چند مطلب جالب تاریخی هم یاد گرفته باشد. به نظر من باید مجسمه شما را به عنوان بهترین مبلغ و حامی فرهنگ کشورتان بسازند. کشوری که نه تاریخ

دن براون! دست مرزباز. هر بازاری برای زنده ماندن به اثر پر فروش نیاز دارد و رونقی که شما به بازار کتاب ما دادید، با رونق کتاب‌های تالیفی ایرانی خودمان بسیار متفاوت است. راستش مضمون و محتوای کتاب‌های ایرانی‌ای که این یکی دو ساله گل کرده‌اند و به هزار و یک دلیل از ما بهترانی مشمول عنایت خواننده‌ها واقع شده‌اند، از دیالوگ‌های خاله‌زنگی و غیبت‌های کافه‌نشینی و جوک‌های اس.ام.اسی دهه ۸۰ فراتر نمی‌روند و اکثر ادای دین مدرنی هستند به «امشب آشکی می‌ریزد و دختری می‌میرد و پسری داماد می‌شود» و... اما کتاب شما؛ کتاب عامه‌پسند شما سرشار از چنان جزئیات علمی و تاریخی و

آقای دن براون! لطفاً ماجرای کتاب بعدی‌تان در ایران بگذرد، مثلاً اصفهان و بر اساس ماجرای واقعی حمام شیخ بهایی که تنها با یک شمع گرم می‌شده است، داستان جذابی خلق کنید تا نسل ما هم به مدد پنجه توانای شما با شهر و کشور و فرهنگ خودشان آشنا شوند!

۱- به نقل از پشت جلد کتاب، نماد گمشده، دن براون، ششمین سعادت، نشر افراز، ۱۳۸۸، تهران.